



راهکارهای عملی وحدت حوزه و دانشگاه

گونگون به این امر پرداخت. از بین شیوه‌های مختلفی که برای ایجاد تفرقه بین حوزه و دانشگاه در نظر گرفته شده بود، بررسی و تحلیل جانبدارانه از وحدت در قالبی علمی و زیبا بود. آنان با طرح این مطلب که «آیا وحدت بین حوزه و دانشگاه امکان وقوعی دارد یا نه؟» و تئوریزه کردن این مطلب که «وحدت بین حوزه و دانشگاه غیرممکن و یا حداقل غیر مفید است»، سعی کردند اذهان دانشگاهیان را به این جهت سوق دهند که تلاش برای وحدت حوزه و دانشگاه حرکتی بی‌ثمر و بدون نتیجه خواهد بود.

در دوران حوادث اوج‌گیری قیام مردم مسلمان ایران، امام‌راحل علیه‌السلام همسو کردن دو قشر حساس و تأثیرگذار جامعه؛ یعنی روحانیون و دانشجویان را به عنوان مهمترین شاخص‌ها در رهبری خویش مدنظر داشتند. پس از پیروزی انقلاب نیز از روشن‌ترین مواضع حضرت امام علیه‌السلام، تأکید بر حفظ این وحدت و یکپارچگی بود که در مقاطع مختلف و مناسبت‌های گوناگون بر آن پای می‌فشرده‌اند.

از آن جا که دشمن ثمره این وحدت را در شکست خفت‌بار خویش یافت، با تمام وجود برای نابودی آن تلاش کرده، با برنامه‌های

دشمنان از دیگر سو، در کنار یکدیگر قرار گرفته و بدخواهان را برای همیشه مایوس کنند.

این بخش از وحدت هیچ ارتباطی با آموزه‌های حوزوی و دانشگاهی ندارد، بلکه صرفاً وظیفه فرهیختگان هر جامعه‌ای است که به شرف، عزت و پیشرفت کشور خود بیندیشند. دانشگاهیان و حوزویان می‌توانند در کنار یکدیگر قرار گیرند و با دفاع نیرومند از کلیت نظام، خلأهای کشور را در ابعاد مختلف تسبیب و وظائف دانشگاهیان و حوزویان را در عرصه‌های پژوهش و آموزش مشخص کنند و هر کدام به تناسب توان در جهت رفع کمبودها تلاش کنند.

در موقعیت حساس کنونی، دانشگاهیان می‌توانند نیرومندترین یار انقلاب باشند در صورتی که در همه برنامه‌ریزی‌های خود به شاخص‌های ذیل توجه کنند:

- ۱- به هنگام کردن آموزش‌ها؛
- ۲- کاربردی کردن پژوهش‌ها به گونه‌ای که نیازهای گسترده کشور را پاسخگو باشد؛
- ۳- بومی‌سازی نظریه‌های علمی

این روش ضمن اینکه طرفداران تفرقه را بی‌غرض جلوه می‌داد، از لعاب علمی هم برخوردار بود، از این رو می‌توانست عده‌ای را به سوی خود جلب کرده، براساس این تفکر عملکردها را تغییر دهد. از این رو بر مبلغان دینی و رهبران معنوی جامعه ضرورت این امر پوشیده نیست که ضمن تبیین مبانی وحدت بین حوزه و دانشگاه، به بحث در موضوع راهکارهای عملی دستیابی به وحدت پردازند.

بحث وحدت حوزه و دانشگاه از چند منظر کلی قابل بررسی و تبیین است:

۱- وحدت در دفاع از نظام

با دقت در ایجاد هستهٔ اولیه وحدت و رهنمودهای امام علیه السلام، خواستگاه وحدت و اهداف آن به خوبی روشن می‌شود.

زمانی وحدت برای همسوئی در جهت حذف نظام شاهنشاهی و زمانی در جهت تثبیت پایه‌های حکومت اسلامی بود و اکنون این دو مجموعه عظیم می‌توانند با همدلی جهت شکوفائی و بالندگی انقلاب از سویی و رویارویی با توطئه‌های

به ویژه در حوزه علوم انسانی؛

۴- نقد نظریه‌های وارداتی؛

۵- آزمایش گزاره‌های علمی

علوم انسانی در بستر فرهنگی ملی و جرح و تعدیل آن‌ها؛

۶- پرهیز دادن مجموعه‌های

علمی از تقلید بی چون و چرا در نگرش به نظریه‌پردازی‌های بیگانگان؛

۷- رشد روحیه خلاقیت، ابتکار

و نوآوری با پافشاری بر توانمندی‌های داخلی و پرهیز از خودباختگی علمی.

در همه این عرصه‌ها، حوزه می‌تواند یار و مددکار دانشگاهیان باشد.

بر هیچ انسان منصفی پوشیده نیست که این وحدت بدون هیچ تعارضی بین آموزه‌های حوزوی و دانشگاهی می‌تواند نظام را در پیشبرد اهداف خود موفق سازد.

۲- وحدت در نگاه دینی به

گزاره‌های علمی

به طور کلی مباحث علمی از منظر معارف دینی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته نخست مطالبی است که

معارف دینی نسبت به آن‌ها ساکت بوده و مطلبی بیان نشده است.

این دسته از مباحث علمی را مسلمانان باید از دیگران فراگیرند و از دانش کلیه دانشمندان جهان بهره گیرند؛ گرچه صاحبان آن علوم در دورترین نقاط جهان و یا از مشرکین باشند.

دسته دوم گزاره‌هایی است که در مباحث دینی درباره آن‌ها مطالبی مطرح شده است.

فقها و دین‌شناسان براساس روایات موظفند که به عنوان حوادث واقعه این مباحث و مسائل جدید را به کتاب و سنت عرضه کنند و پس از پژوهشی اجتهادی، وظیفه مسلمانان را مشخص کنند که نتایج آن به چند صورت تقسیم می‌شود:

الف - اگر این گزاره‌ها از نظر منابع دینی مورد تأیید بودند، پذیرفته شده و به تناسب دستورات دینی مورد قبول و یا تأکید قرار می‌گیرند.

ب - در صورتی که این مباحث مورد تردید واقع شده باشند، نظر اسلام بیان می‌شود و عدم مقبولیت آن مطرح می‌گردد.

برای دسته دوم از گزاره‌های

دانشمندان از سوی دیگر فراهم و در نتیجه گزاره‌ها و مباحث بسیار عمیق و ژرفی به علوم مختلف راه خواهد یافت.

از باب نمونه می‌توان از مباحث مدیریتی اسلام نام برد که تنها بخشی از نهج البلاغه می‌تواند برای جوامع مختلف بشری در مدیریت الهام بخش بوده، در برنامه‌ریزی سازماندهی، رهبری، رفتار سازمانی و کنترل، مباحث بسیار جدیدی را عرضه کند.

۳- وحدت در تأمین نیازمندی‌ها

حوزه و دانشگاه به عنوان دو مرکز عظیم علمی، هر کدام در جهت پیشبرد اهداف انسانی - اسلامی خویش به یکدیگر نیازمندند و با وحدت این دو مجموعه، نیازهای هر یک توسط دیگری تأمین می‌گردد. اکنون به صورت گذرا وظائف حوزه و دانشگاه در جهت تأمین نیازمندی‌های مجموعه دیگر بیان می‌شود.

وظائف حوزه

حوزه‌های علمی می‌توانند با انجام موارد ذیل در کنار برادران دانشگاهی خود قرار گرفته، در جهت

علمی که اسلام درباره آن‌ها مطالبی بیان داشته است می‌توان به مسائل بسیاری اشاره کرد مانند مسائل اقتصادی مثل بانک و بانک‌داری، ربا، مضاربه؛ مسائل سیاسی مانند حقوق اساسی، آزادی‌های مدنی، حقوق مردم بر والیان و حاکمان، حق والی بر مردم و روابط بین‌الملل؛ مسائل قضائی با توجه به مسائل حقوقی مطرح در جهان؛ مسائل فرهنگی و... این بخش از وحدت، همکاری‌های بسیار نزدیک حوزویان و دانشگاهیان را می‌طلبد که نتایج ارزشمند ذیل ثمره آن خواهد بود:

الف) استفاده از منبع وحی که در بیان آنچه سعادت بشر در گرو آن بوده، هیچ کوتاهی نکرده است و آدمی را از ضلالت و گمراهی نجات می‌بخشد.

ب) از علوم مختلف بشری در نقاط مختلف جهان استفاده می‌شود.

ج) به دلیل الهام گرفتن از وحی و تعامل این دو بخش از فضای علمی، سؤالات جدیدتری مطرح و زمینه استفاده عمیق‌تر از منابع دینی از سسویی و در چالش قرار دادن

دانشگاه‌ها و یا محافل علمی جهان را به خوبی بشناسند و با پاسخ‌های قانع کننده، دانشجویان را راهنمایی کنند.

۵- تدوین کتب دینی مورد نیاز دانشگاه‌ها اعم از حوزه معارف، تاریخ، اخلاق و یا کتاب‌هایی که دیدگاه‌های دینی را در مورد مباحث گوناگون علوم انسانی بیان می‌کنند. نکته قابل توجه در تدوین کتاب‌های درسی، استفاده از شیوه نگارش روان و خالی از اصطلاحات و الفاظ پیچیده و دور از فهم خواننده است.

وظائف دانشگاه

۱- تأمین اساتید مورد نیاز حوزه‌ها در زمینه علوم انسانی مانند جامعه‌شناسی، روانشناسی، حقوق، مدیریت، علوم سیاسی، اقتصاد و...

۲- تدوین کتب مورد نیاز حوزه در زمینه علوم انسانی به شکلی کاربردی.

۳- انعکاس به هنگام شبهات کلامی و فلسفی مطرح در دانشگاه‌ها و پی‌گیری جهت دریافت پاسخ آن‌ها.

۴- تحقیق و پژوهش در جهت شناخت آسیب‌های دینی در سطح جامعه و انعکاس آن به حوزه.

۵- تحقیق در زمینه شناخت مسائل علوم انسانی که می‌تواند در زمینه تبلیغ دین کارکردی مثبت داشته باشد و ارائه آن به حوزه.

اعتلاء این مجموعه بزرگ علمی کوشش کنند:

۱- تأمین و تربیت اساتید مجرب و توانمند جهت تدریس در کلاس‌های معارف و دروسی که به گونه‌ای با تخصص‌های حوزوی ارتباط دارند، مانند اخلاق، تاریخ اسلام و...

در این زمینه فعالیت‌هایی انجام شده لیکن هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت نیاز به بازنگری در عملکرد گذشته و برنامه‌ریزی برای بهبود آن می‌باشد.

۲- تأمین و تربیت اساتید صاحب‌نظر جهت طرح دیدگاه‌های اسلام در زمینه علوم انسانی مانند حقوق، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی و...

۳- آماده‌سازی مبلغین توانمند جهت انجام تبلیغات دینی در دانشگاه‌ها به گونه‌ای که بتوانند به تناسب آگاهی‌های مخاطبان خود، مباحث دینی را طرح کرده، افکار آنان را قانع کنند.

۴- تأمین و تربیت فضلاء و علمائی که بتوانند شبهات کلامی - فلسفی مطرح شده در سطح